

قدر وصل آنکس شناسد کز فراقش سوخت جان
همچو مجنون دور از لیلی شدم هان هان - پار
خواستم پنهان کنم در پرده دل راز عشق
زاه سرد افسردن و از آن دل سوختن
نیکنامی بابت در کوی بد نامان میوی
گر بدوزد تیر رستم دیده اسفندیار
دور از یاران ترین با دشمنان با درد جفت

قیمت صحت کسی داند که جمش کاست درد
وز سرشک دیدگان در کوه و در دریا نورد
پرده از کارم در آنکند اشک سرخ و روی زرد
به که بزدن شکوه پیش ناگهان از گرم و سرد
خوب میخوامی زگینی گرد بدکاری مگرد
نه جوانمردیست برگشتن ز میدان نبرد
گر مبادا چون وحید انباز غم وز عیش فرد

شاهدخت ملایری

بقلم ابراهیم صفائی ملایری

صدیقه خانم شاهدخت ملایری . اشعارش زینت افزای حدایق ادب و آثارش آسمان ادبیات را رخشنده کوکب اسب ، ذوقی خوش داشته و طبعی دلش افسوس که آثار و شرح احوالش از دستبرد حوادث مصون نمانده نگارنده را چندی پیش رباعی چند از آثار گرانبهایش بدست آمد سپس برای احیای نام این مهستی ثانی دست رجا بهردامانی زده و در رسیدن تحقیق و تفحص بر آمدم بالاخره نتیجه جز یأس چیزی حاصل نشد جای تعجب هم نیست زیرا درین کشور بواسطه جهل عامه و فشار محیط بلبان نشیدخوان گلستان شعر و ادب را قفل خموشی بردهان بوده و همه ایام عمر خویش را بدون افاده و استفاده در گوشه گمنامی گذرانده اند و اگر خواستند دهان گشاده و در گلشن عالم نغمه سرائی کنند دست ستم نایشانرا فشرده و نوای جان بخششان را قطع کرده است . ویژه که این سخن سرایان از طایفه نسوان باشند . در دیاری که شاخ فضل جز حرمان نمری نمی دهد و متاع دانائی ارزشی ندارد و شعر را جز بدبختی و بیچارگی چیز دیگر نصیب نیست بحکم محیط شاهدخت و امثال او باید در زاویه خمول و تنهایی آرمیده و بحیات و

زندگی خود افسوس خورند و از کسب فضائل پشیمانی برند. باری خیرالامام ما
 قل و دل - خوشبختانه چندی پیش در کتابخانه یکی از رفقا اوراقی چند پراکنده
 یافتیم که همه حاوی آثار ادبای سلف بود در یکی از آن اوراق مختصری راجع
 بشاهدخت نگارش یافته که تا اندازه تاریخ حیات این شاعره نا دره را روشن
 می سازد ولی نگارنده اش معلوم نیست اینک قسمتی را که راجع بشاهدخت
 در اوراق مذکور نگاشته شده عیناً در اینجا نقل می کنیم :

علیا جاه صدیقه بانو متخلصه بشاهدخت صیبه کربلائی محمد علی دولت آبادی
 رحمه الله علیه بوده کربلائی محمد علی الحال متجاوز از سی سالست که دعوت
 حق جلت عظمته را ایبک گفته است اولادی نداشته جز این دختر که در زمان
 فوت پدر سه ساله بوده و مادرش مسماة بفاطمه دو سال قبل از فوت کربلائی محمد
 علی مرحوم شده و بعد از فوت والدین معلوم نشد صدیقه را کی پرستاری کرده
 و علوم و فضایل را در کجا آموخته است همین قدر وقتی که سنین عمرش از
 طفولیت زیاده شد از همه حیث بهتر از دختران عصر بوده شعر را بسیار نیکو
 میسروده است معلوماتش خیلی خوب بوده و بطوری که حقیر را اطلاع حاصل آمده
 تمام مدت عمر را شوهر اختیار نکرده گویند در زمان حیات مشارالیه را با کسی
 معاشرت نبوده سه سال پیش در سن جوانی مرحوم شده . رحمه الله علیها -
 تحریر افی ثالث عشرین من شهر صفر المظفر سنه ۱۳۰۹)

از شرح فوق چنین برمی آید که شاهدخت در زمان فوت پدرش سه ساله
 بود و پدرش هم درسی سال قبل از ۱۳۰۹ « تاریخ نگارش شرح فوق » یعنی
 ۱۲۷۹ هجری قمری در گذشته بنا بر این تولد شاهدخت در سال ۱۲۷۶ یعنی
 بسال ۱۳۰۶ قمری اتفاق افتاده پس تمام دوره زندگانی شاهدخت متجاوز
 از سی سال نشده و تا آخر عمر همسری اختیار نکرده و خودش در این رباعی که

